



۲۰۱۹/۰۳/۲۵



عبدالقیوم میرزاده

## مکتی بر بیان مداخله گرانه عمران خان صدر اعظم پاکستان



در کشاکش مذاکرات نمایندگان وزارت خارجه آمریکا تحت ریاست خمی خلیل زاد با نمایندگان طالبان که نیروی فرمایشی زیر نظر اداره استخبارات نظامی پاکستان برای مقاصد نظامی - ستراتیژیک پاکستان می باشند عمران خان صدراعظم پاکستان روز جمعه ۱۵ مارچ سال جاری در یک گردهمایی قبایلی در منطقه سرحدی باجور بدون نظر داشت و رعایت حقوق و روابط بین الدول گفت که: صلح به زودی در افغانستان برقرار می گردد و در آینده نزدیک یک ( حکومت خوب ) که برای تمام افغانها قابل قبول می باشد خواهد آمد. از این پیشتر هم شاه محمود قریشی وزیر خارجه پاکستان بعد از دیدار و مذاکره با وزیر خارجه آلمان که بعد از سفر و ملاقات با رهبران حکومت افغانستان به پاکستان سفر کرده بود طی یک کنفرانس مطبوعاتی در جمع خبرنگاران در اسلام آباد به تاریخ ۱۲ مارچ از پیشرفت مذاکرات دوحه میان آمریکا و طالبان خیر داده و بیان داشت که نتایج ملموس این مذاکرات موفقیت دیپلو ماسی پاکستان را بیان میدارد.

اما در افغانستان باوصف تشکیلات طویل و عریض وزارت خارجه آن و سفارت خانه های طویل و عریض آن حکومت افغانستان نه تنها در این مذاکرات به حاشیه گذاشته شده است بلکه هیچ نوع اطلاعی از متن مذاکرات ندارد. آنچه مقامات وزارت خارجه افغانستان در عکس العمل به این بیانات مداخله گرانه انجام دادند فقط مستشار سفارت پاکستان را احضار مراتب اعتراض خود را بیان و خواهان توضیح بیشتر در باره اظهارات عمران خان صدراعظم پاکستان شدند. اینکه پاکستان در این باره به حکومت افغانستان توضیح داد یا خیر هنوز ما نمی دانیم.

از تحلیل وضع چنین استنباط می گردد که تا هنوز هم حلقه مفقود در عمل و عکس العمل های مردم، حکومت و نخبگان در افغانستان همانا درک بسیار کم رنگ و ضعیف از منافع ملی می باشد. آمریکا بدون نظر داشت حکومت افغانستان با دشمنان و مخالفین اش مذاکره می کند، پاکستان برای کشور ما حکومت می سازد ولی همه نه تنها سکوت

اختیار کرده اند بلکه سوگمندان در پی چاق ساختن اختلافات درونی بوده و به استشاره حمایت کنندگان خارجی شان با هر حرکت حکومت مخالفت کرده و مردم را به بیراهه می کشانند.

امریکائیان برای تحقق برنامه های ستراتیژیک شان در اکتوبر ۲۰۰۱ به بهانه مبارزه با تروریست های طالب و همکاری شان با القاعده که به وسیله پاکستان تربیه، تجهیز و تسلیح می شدند به افغانستان حمله کرد و بنا بر روابط حسنه اش با پاکستان به پاکستانی ها این اجازه را داد تا افسران و عمله استخبارات نظامی شان را که با گروه های طالبان همکاری داشتند به وسیله طیارات نظامی آن کشور از کندز و ساحات دور تر از سرحدات پاکستان به صورت مصون به قرار گاه مرکزی شان یعنی پاکستان انتقال دهند. آنچه اظهر من الشمس است امریکا در افغانستان منافع ستراتیژیک دارد آنها نه تنها به منابع سرشار زیر زمینی افغانستان نیازمند اند بلکه می خواهند منابع انرژی و انتقال انرژی منطقه را هم در کنترل داشته و مدیریت کنند، آنها تلاش دارند به وسیله عمال خرابکار و نیروهای جدایی طلب مسلمان حکومت و اداره چین را تحت فشار قرار دهند، آنها به وسیله احزاب جهادی مسلمان، مافیا و قاچاقبران بین المللی و تروریست ها که مراکز شان در پاکستان و حاشیه های سرحدی قرار دارد کشور های تاجکستان، ازبکستان و قرغیزستان و فدراتیف روسیه را به وسیله عملیات خرابکارانه و انتقال مواد مخدر که در افغانستان تولید می شود تحت فشار قرار داده اند، آنها از حضور شان در افغانستان ایران را تحت فشار قرار داده اند و با حضور نظامی شان در افغانستان و برهم زدن بیلانس قوا در جهان منافع هنگفتی را تصاحب کرده اند و هنوز هم این نفع برداری کماکان ادامه دارد. اما هزار حیف و دریغ که همه دنیا می توانند در راستای منافع کمپنی های بزرگ و منافع ملی شان از هزاران کیلومتر آنطرف ها و هم از نزدیکی ها خود را به آب و آتش زده از دهن گرگ و شیر با وسایل و ذرایع گوناگون دیپلوماتیک و غیر دیپلوماتیک متعارف و غیر متعارف قناعت گرگان و شیران را حاصل و سهم شان را در راه منافع ملی شان به دست می آورند ولی در طول این همه سالها عناصر خود فروخته که در رأس و قاعده قدرت در افغانستان بودند حتی برای یک لحظه هم به منافع ملی کشور ما افغانستان نیاندیشیدند و سراپا در غلامی امریکا، پاکستان و کشورهای دیگر دینفع قرار داشتند و هنوز هم این حلقه غلامی را به گردن دارند و از اینجا و آنجا شعار های حمایت از پاکستان را سر داده و در خط منافع آنکشور علیه منافع ملی و حاکمیت ملی افغانستان عمل می کنند و این هم نتیجه این همه غلامی به بیگانه که سرنوشت و مقدرات مردم و کشور را به بازی گرفته اند. دولت و حکومت ما متأسفانه از هیچ سر از اسرار درونی مذاکرات اخیر امریکا و طالبان خبر ندارد اما پاکستان برای ما (حکومت خوب) ساخته است و از تشکیلات آن هم با خبر است که (مورد قبول همه مردم ما) می باشد.

وزارت خارجه طویل و عریض ما فکر می کند که تنها با احضار مستشار سفارت پاکستان وظیفه اش به آخر رسیده و دیگر کاری نمی شود کرد. و یا اینکه وزارت خارجه امریکا "حمدالله محب" مشاور امنیت ملی ما را به خاطر ارائه نظریاتش در باره روش خلمی خلیل زادر مذاکره با طالبان بدون در نظر داشت حکومت افغانستان مورد سرزنش قرار میدهد ولی از سنگ صدا بر می آید اما از وزارت خارجه ما صدایی برای دفاع از اتباع افغانستان و منسوبین مقامات ارشد افغانی که مکلفیت دفاع شان در خارج از سرحدات افغانستان وزارت خارجه و نمایندگی های سیاسی مقیم در دول متحابه و غیر از آنرا عهده دار است، شنیده نمی شود. این چه سکوت مرگبار است؟ مگر این وزارت خارجه پاکستان است که در شهر کابل موقعیت دارد؟ چرا در چنین اوضاع و احوال سرنوشت ساز برای ملت و کشور ما همه با روحیه وطن دوستی و همیاری و همدلی با یک صدای رسا و با یک مشت واحد برای دفاع از مادر وطن عزیز

ما به دور حکومت خویش که در شرایط حاضر یگانه مرجع تطبیق قانون و دفاع از نوامیس ملی ما می باشد حلقه مستحکم ایجاد نمی کنیم و رهبری کشور را در راه تحقق اهداف ملی یاری نمی رسانیم؟ تا به این ترتیب به امریکا، پاکستان، ایران، روسیه و دیگران به صراحت برسانیم که ما در باره صلح، حکومت و سرنوشت آینده خویش خود تصمیم می گیریم. امریکا و همه کشور های ذینفع در افغانستان بدانند که ما و حکومت ما براساس منافع متقابل با در نظر داشت منافع ملی افغانستان روابط خارجی خویش را تأمین می کنیم. و در مذاکره با طالبان از همه مهمتر و در گام نخست به این سوال پاسخ ارائه گردد که طالبان از کدام منابع و برای کدام مقاصد حمایت مالی و تسلیحاتی می گردد. این سوال برای صلح بین المللی و منطقوی از اهمیت فراوان برخوردار است یا طالبان خود منابع تعلیماتی، لوژستیکی، مالی و تسلیحاتی شانرا معرفی کنند و یا اینکه هیأت های حقیقت یاب بین المللی بیطرف منابع تعلیماتی، لوژستیکی، مالی و تسلیحاتی طالبان را دریافت و علل و انگیزه های این حمایت های مالی و تسلیحاتی به جهانیان روشن گردد. چرا کفاره گناهی را که امریکا و پاکستان انجام داده اند ما و مردم ما پس دهد.

ما همچنانیکه رئیس جمهور افغانستان خطاب به پاکستان بیان داشت که افغانستان بدون پاکستان به هند رسیده می تواند مگر پاکستان بدون افغانستان به آسیای میانه رسیده نمی تواند، در کنار حکومت خویش قرار گرفته و از طرح های سازنده اش برای رشد اقتصادی - اجتماعی و عمرانی حمایت کرده و در راه تحقق این طرح ها عملاً حکومت را یاری رسانیم. ما همه با ایستادگی در کنار حکومت خویش جهان و جهانیان را به این باور برسانیم که پاکستان عامل اصلی و موجد تروریسم بین المللی بوده و این تروریسم ساخته پاکستان را آنها اند که به جهان صادر می کند، مثالهای بارز آن در جنگهای اوایل دهه نود میلادی میان ارمنستان و آذربایجان، جنگهای اواسط دهه نود چیچن و گرجستان، جنگ یوگوسلاویا، گروه های تروریستی در عراق، لیبیا، سوریه، کشور های افریقای و تقریباً تمام سازمان دهندگان عملیات تروریستی در اروپا و سائر نقاط جهان به وسیله تروریست های تربیه شده در پاکستان صورت گرفته است و همه گردانندگان سازمان های تروریستی بین المللی در پاکستان تعلیم و تربیه نظامی دیده اند. تا باشد از این طریق فشار بزرگ از جانب جامعه بین المللی نیز بر پاکستان افزایش یابد.

آنچه عمران خان در باجور گفت به صراحت می رساند که در مذاکرات امریکا با طالبان و پاکستان به ایجاد حکومتی توافق صورت گرفته که پاکستان - امریکا و طالبان در آن خوشنود اند زیرا هم طالبان از مذاکرات راضی به نظر می رسند تنها ترس شان را از موجودیت قوای خارجی به صورت سنتی و سمبولیک بیان می دارند زیرا در غیر آن گویا مشروعیت وجودی خود را در افغانستان از دست می دهند، هم پاکستان آنها حکومت خوب می داند و توییح های امریکا در برابر نمایندگان حکومت افغانستان می رساند که امریکا هم از این حکومت راضی و برگ برنده را در دست دارد. آنچه مفقود است حکومت افغانستان - دستگاه دیپلوماسی، رسانه های تصویری و شنیداری داخلی و خبرگان و نخبگان افغانی حاملین پیام های مردم افغانستان اعم از جوانان، زنان، کسبه کاران و اهل حرفه، دهقانان و طیف های وسیع مردم اند که نه دیده می شوند و نه شنیده می شوند.

در سیر این فعل و انفعالات سیاسی - نظامی و اقتصادی اگر اراکین حکومتی، منسوبین وزارت خارجه، رسانه های کشور ما درک لازم از منافع ملی شان داشته و بر مبنای منافع ملی کشور اجراءات و حرکت می کردند حالا انکشاف اوضاع در منطقه طور دیگری سیر می کرد. حالا هم تا دیر نشده در برابر هر حرکتی که منافع ملی ما را متضرر می سازد غوغایی بر پا گردد که پشت همه متجاوزین را بلرزاند و جهان را مجبور به رعایت خواست بر حق مردم

گرداند. زیرا کشور ما افغانستان در سیر حوادث چهل سال اخیر قربانی سیاست های تجاوز گرانه شرق و غرب گردیده است. کشور ما از بدو ایجاد پاکستان تا کنون با وصف اختلافات سرحدی نورم های روابط بین الدول و همسایگی نیک را رعایت کرده و در هر نوع شرایط بیطرفی کامل را رعایت نموده است و در برابر ایران در جریان جنگ عراق و ایران همچنان با رعایت اصول زرین روابط همسایگی نیک پیوسته بر صلح و مذاکره میان هردو کشور مسلمان و برادر تأکید داشته است، و با سایر همسایگان همچنان پیوسته خواهان مناسبات حسنه، حسن همجواری و با درک رعایت منافع جانبین و اصول همزیستی مسالمت آمیز و رعایت میثاق های بین المللی بوده است. اما پاکستان هیچگاهی دست از دشمنی در قبال افغانستان برنداشته با هر حرکتی که در آن منافع مردم و ثبات کشور ما متصور بوده در مخالفت قرار داشته و با گشودن مدارس مجاهد ساز، طالب ساز و داعش ساز آخرین ضربات جنگ های داخلی را بر وطن ما تحمیل کرد و بساط انواع اختلافات ذات البینی را برای بی ثبات سازی و تداوم خشونت و افغان کشی هموار کرده و خود در راستای اهداف آزمندانه اش به صورت یکجانبه از آن نفع برده است. پاکستان تلاش دارد در کشور ما رژیم دست نشانده خود یعنی طالبان را بر مسند قدرت بنشاند، آنها از این کمتر هیچ نوع حکومتی را در افغانستان نمی خواهند و در سیاست های موجود نظامیان پاکستانی که حرف اول و آخر را در پالیسی های پاکستان می زنند افغانستان مستعمره پاکستان همچو ایالتی نیمه فیدرال، قطع روابط اقتصادی - سیاسی با هندوستان، مدیریت تمام معادن زیر زمینی و آبهای افغانستان شامل و مطرح گردیده است. اما در کشور ما در وزارت امور خارجه، سائر بخش ها و ادارات حکومت، در رسانه های سمعی و تصویری، و چاپی، در میان تحلیل گران، تفسیرگران و نخبگان امور اجتماع و سیاست گویی هیچ خبری نیست و نه مشکلی است و نه آبی از آب تکان خورده است. همه یا مصروف زورگویی و قدرت نمایی برای حفظ سرمایه های طاغوتی شان به سر بازگیری مشغول بوده و عده ای هم به مسایل قوم گرایی، تعصبات مذهبی و فرقه ای مشغول اند. در چنین شرایطی سرنوشت ساز کشور هم متأسفانه عده ای از روی عقده مندی ها، تعصبات، خود خواهی ها و نادانی ها خرسندند و کف می زنند و افتخار می کنند و در پی تجلیل جشن هایی به رغم پیروزی شان و ناکامی اشرف غنی اند، در حالیکه مردم باید به خوبی درک کنند یگانه مرجعی که مردم میتواند با اطمینان بآن اتکای قانونی داشته باشد دولت افغانستان منحصیث یگانه نماینده قانونی مشروع مردم است و همه اقشار جامعه اعم از احزاب سیاسی و سازمانهای مردمی و اجتماعی بآن اتکاء کرده و در برابر این همه دسایس دشمنان ایستادگی کنند و حکومت خویش را بی مهابا یاری رسانند. این دولت است که توان مقابله با همه انواع زورگویی را داشته و قدرت سرکوب سیاسی و نظامی طالبان و دشمنان را که تلاش دارند از فضای متشنج به نفع خود و باداران خارجی شان استفاده سوء کنند دارد. این کوتاه فکران باین نمی اندیشند که اگر پاکستان بحیث دشمن قسم خورده ای مردم افغانستان از حکومت استخراج شده مذاکرات خلیل زادو طالب خوشنود است پس این درست معادل سلب همه آزادی ها و نابودی مردم افغانستان میباشد که در آن جز چند غلام حلقه بگوش پاکستان هیچ فردی از افراد و هیچ قشری از اقشار جامعه ما مصون نبوده در نتیجه خانه جنگی، برادر کشی، ذلت، خواری و غلامی پاکستان در انتظار همه مردم ماست. با اطمینان میتوان خاطر نشان ساخت در معادلات منطقوی اگر سیر حوادث به نفع پاکستان انکشاف کند این هرگز بمعنی ختم جنگ در افغانستان نخواهد بود زیرا نفی منافع افغانستان، هندوستان، ایران و سایر کشورهای منطقه درست در نقطه مقابل خواسته های آزمندانه پاکستان قرار دارد و این برای منطقه غیر قابل پذیرش است، تجربه حکومت طالبان در اواخر قرن بیست در افغانستان اثبات این دیدگاه است.

## مردم شرافتمند کشور!!

در اوضاع و احوال موجود حل مشکل افغانستان بر سر بود و نبود اشرف غنی و یا چند فرد دیگر نیست که تعصب، عقده مندی، جاهلیت و خود خواهی ها چشمان ما را کور کرده و غیر از عداوت، دشمنی و سیاهی چیزی دیگری را دیده نمی توانیم، مشکل افغانستان بر سر مداخلات و تجاوزات بیشرمانه بر امور داخلی کشور ما می باشد که با سرنوشت مردم ما بازی صورت می گیرد و به عوض اینکه همه نیرو و قوت خویش را برای تمثیل اراده مردم چون یک مشت واحد در برابر همه انواع تجاوز قرار دهیم، هنوز هم عقده گشایی کرده چند کلمه متحد المال تفرقه افگانه منحوس "تمامیت خواهی" "فاشیستی" و چند "ایزم" و مترادف و معادل آنرا در هر بحث پیش کرده و ملت را بیشتر از پیش به سوی تباهی سوق داده و آب به آسیاب دشمنان افغانستان می ریزیم. باید به این باور بود وقتی در جایی موضوع افغانستان و یا صلح و جنگ آن مطرح می شود، پس این مربوط به مردم افغانستان است که چگونه صلح و یا جنگ می کنند و این مربوط به عمران خان صدر اعظم پاکستان و خلمی خلیل زاد نماینده امریکا نیست که بگوید که صلح چه وقت می آید و ما خواهان چه نوع حکومتی هستیم و با کی صلح کنیم. حالا این پیروزی دیپلماتیک باید از ما می بود زیرا امریکا برای اهداف استراتژیک اش به ما محتاج است نه به پاکستان و نمایندگان طالب و داعش اش. ترسی را که امروز امریکا از پاکستان دارد و هر آن با دادن امتیازات مادی و معنوی با وصف آنکه با اطمینان خاطر می داند که پاکستان به حیث شریک مهم و استراتژیک چین در منطقه و جهان می باشد می خواهد با دادن امتیازات برایش از ظرفیت هایش برای تحقق استراتژی های خودش در منطقه بهره برداری کند. چرا ما که درست در نقطه حساس و خروش جیو استراتژیک و جیو پولیتیک منطقه قرار داریم نمی توانیم چنین ترسی را برای امریکا و سائیرین ایجاد کنیم و از این طریق به حصول منافع ملی خویش دست یابیم.

در نظریات عده ای از هموطنان علایمی از درماندگی، وابستگی و لاجارگی را مطالعه می کنم که گویا ما وابسته به کمک های امریکا هستیم، اردو، پلیس و اداره امنیت ما معاش خور امریکا می باشد و قس علیهذا اما این حقیقت ندارد نه تنها امریکا بلکه هیچ کشوری در جهان وجود ندارد که یک سنت، درهم، قروش، دینار، کلدان و ریالش را به نام خدا برای ما بدهد، بلکه بر عکس این عناصر خود فروخته ما اند که چون غلامان حلقه به گوش و گوش به فرمان اجانب واقعیت ها را به مردم ما نمی گویند که این خارجی ها همه و همه در افغانستان برای کدام مقاصد اقتصادی، سیاسی، نظامی و استراتژیک آمده اند و کدام پلان ها را بسر رسانیده اند و حالا گویا بر می گردند. ما نه تنها معاش خور ایشان نیستیم بلکه همه هستی کشور ما را به صورت قلدرانه غیر قانونی چپاول می کنند و طی جلسات جهانی و منظوقی برای فریب اذهان عامه ارقام و اعدادی را منتشر می سازند که گویا برای ما معاونت بلاعوض می کنند. اگر حکومت از ثبات لازم و مشروعیت کامل برخوردار گردد ده ها پرواز خارجی که حکومت افغانستان توان باز خواست از آمد و رفت آنها را ندارد تحت کنترل دولت آمده و آنگاه است که معلوم می گردد کی معاش کی را می دهد؟ سوگمنده که غلامان پاکستانی قوای مسلح ما را با همه ماشینری و تجهیزات دفاعی و تعرضی اش که زمانی یکی از پر قدرت ترین اردو های منطقه محسوب می گردید به پاکستان تسلیم کردند و تا کنون بنا بر سیاست های کج دار و مریز امریکا اردوی جدید از ظرفیت بزرگ دفاعی برخوردار نگردیده است ولی این هرگز به معنی وابستگی و درماندگی نمی باشد. همت والای مردم ما قوت شکست ناپذیر است ولی این همت والا بایبست متمرکز گردد. روشنگران، سیاسیون، اهل خبره، سازمانهای اجتماعی، ملا امامان مساجد و تکایا و رسانه های کشور همه دست به

دست هم بدهند با صدور فراخوان های افغانستان شمول مردم را به دور دولت افغانستان و حمایت از طرح های ملی دولت متمرکز گردانند.

اکنون آگاهان امور و تحلیل گران به این باورند که در هفته اول ماه اپریل سال جاری قرار است دور جدید مذاکرات در دوحه با شرکت ۲۴۰ تن از نمایندگان جریان های سیاسی به شمول طالبان برگزار گردد که در آن تنها همان مافیا هایی که از زمان سیطره امریکا بر افغانستان یا شامل حکومت بودند و یا اینکه برای حفظ سلطه شان حکومت های موازی دولت در درون دولت را رهبری و پیش می بردند شرکت دارند که به هیچوجه نمایندگی از مردم و دولت افغانستان کرده نمی توانند. در همین راستا خُلمی خلیل‌زاد نماینده امریکا برای امور افغانستان بروز پنجشنبه مؤرخ ۲۱ مارچ سال جاری با تعدادی از دیپلومات های اتحادیه اروپا، چین، روسیه و عده ای از کشورهای دیگر در مقر وزارت خارجه امریکا ملاقات به عمل آورد. گرچه ظاهراً در اعلامیه خبری وزارت خارجه امریکا از نقش حمایت بین المللی از روند صلح افغانستان ذکر به عمل آمده است اما در حقیقت این گردهم آیی ها تلاش های خُلمی خلیل‌زاد را برای جلب حمایت کشور ها از اجراءاتش با طالبان می رساند. او همچنان می خواهد جامعه بین المللی را از پیشرفت مذاکرات با خبر سازد. مورخ ۲۱ مارچ ۲۰۱۹ هلند



تذکر:  
هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "ارشیف